



## تصحیحات مجتبی مینوی در بوته سنجش

رضا شاه‌ملکی\*

دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی / پژوهشگر تاریخ ایران

### چکیده

داوری نقادانه در باب آثار قلمی و جایگاه علمی مجتبی مینوی در یک مبحث ویژه و منفرد نمی‌کنجد و برای بررسی عالمانه ی میراث مکتوب مجتبی مینوی باید بر ادبیات، تاریخ، نسخه‌شناسی و... نظر داشت. مقاله ی پیش چشم کوشش و تمرکز نهایی خود را بر شیوه ی عمل مجتبی مینوی در تصحیح گذارده تا تحلیلی ساختاری و کمی از تصحیحات متعدد او به دست دهد. در پایان نتیجه ی به دست آمده با تشریح عینی همراه شده تا چشم انداز نهایی مورد انتظار این پژوهش ارائه نتایجی سنجش پذیر از روش کار و تصحیح مجتبی مینوی باشد. این داده ها در جدولی مجزا اما در پیوند با متن در دسترس خواننده قرار گرفته است. مقصود از نقد و تحلیل در این مقاله رعایت گستردگی تمامی جنبه های سنجش و نقد نیست بلکه آنچه انجام شده مقدم بر نقد است، بدان معنا که تجزیه و تحلیلی معطوف به روش مصحح و چگونگی تصحیح متون و نیز نقد و بررسی نگاه او به این مقوله در دستور کار قرار گرفته.

**کلید واژگان:** مجتبی مینوی، تصحیحات، روش تصحیح، سنجش و نقد، تحلیل ساختاری

**abstract**

Critical judgment about Mojtaba Minovee's written works and scientific position does not fit into a special and single topic, and for a scholarly review of Mojtaba Minovee's written heritage, one should have an opinion on literature, history, manuscript, and to be considered. To do so the current article tried to focus Minovee's practical strategies in the correcting process in order to provide a structural and quantitative analysis of his plentiful corrections. In this way, the obtained result is accompanied by an objective description so that the expected final perspective of this research is to present measurable results of Mojtaba Minavi's work method and correction. This data is available to the reader in a separate table but in a link with the text. The purpose of criticism and analysis in this article is not to observe the breadth of all aspects of assessment and criticism, but what has been done precedes the criticism, which means that the analysis is focused on the correcting method and how to correct the texts, as well as the criticism and review of his view on this category. placed on the agenda.

**Keywords:** Mojtaba Minavi, corrections, correction method, assessment and criticism, structural analysis



## ۱. پیشگفتار

مجتبی مینوی طهرانی (۱۳۵۵-۱۲۸۲) پژوهشگر، ادیب؛ مصحح و نویسنده نامدار ایرانی به واسطه پژوهش‌های ارزشمند و نیز کوشش‌های فرهنگی برجسته‌ای که انجام داده در میان اهل ادب، تاریخ و البته دانشگاهیان نامی بلند دارد. فراوانی آنچه که مینوی انجام داده و میراث بزرگ ادبی-تاریخی‌ای که از وی در درازای پنجاه و سه سال تکاپوی مداوم بر جای مانده در جای خود و به فراخور، موجب بررسی‌ها و توجهات اهل ادب و فرهنگ گشته و در البته در میان اساتید حوزه ادب فارسی چهره‌ای توانا از وی ترسیم کرده است.

مینوی افزون بر خدمات و کارهای اداری که به آنها پرداخته، مانند عضویت در دفتر فرهنگی سفارت ایران در لندن (۱۳۰۹) و پاریس (۱۳۱۳)، رایزن فرهنگی ایران در ترکیه، (۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰)، تدریس در دانشگاه (۱۳۳۹ تا ۱۳۴۸)، عضویت در فرهنگستان فرهنگ و هنر (۱۳۵۲ به بعد) و... هیچگاه از نویسندگی، پژوهش و عرصه‌ی دانش جدا نبوده. حضور در مجامع علمی، نگاشتن مقالات و کتب گوناگون، کتابشناسی و نسخه‌شناسی و نیز تصحیح متون کهن در زمره‌ی کوشش‌های علمی او است.

در این میان مینوی را به عنوان مصححی ممتاز می‌شناسند. از بین مقالات و کتب پر شماری که به فارسی و تعدادی نیز به انگلیسی از وی بر جای مانده است<sup>۱</sup> شانزده عنوان تصحیح نیز به چشم می‌خورد. نویسندگان و اساتید و دوستان اهل فرهنگ مینوی کم و بیش به او، شخصیتش، وجه نویسندگی و نیز کتب او پرداخته‌اند (ن ک؛ کتاب امروز: ۱۳۵۲). کوشش مقاله پیش چشم، بر این استوار است تا تنها نقد و نظری بر تصحیحات مجتبی مینوی داشته باشد. جستجوها نشان می‌دهد که تا کنون مقاله، پژوهش یا کتابی به صورت ویژه تمرکز خود را بر تصحیحات مجتبی مینوی و روش کار او در تصحیح متن نگذارده، هرچند اشاراتی پراکنده و کوتاه - بیشتر دربردارنده‌ی ستایش- و نه محتوایی، به این وجه کار مینوی در دست است (ن ک؛ نامه مینوی: ۱۳۵۰)

نگارنده بر آن است تا در این مقاله نقدی ساختاری از ورای روش تصحیح مجتبی مینوی به دست دهد و در پی آن کتبی را که دست به تصحیح آنها یازیده بررسی و با تحلیلی کمی همراه کند. خود پیدا است که تحلیل کیفی متن امری متفاوت است و در دستور کار این مقاله نیست هرچند ممکن است در جاهایی به آن نزدیک شده باشد. در حقیقت شناخت روش کار و نحوه عمل مصحح است که هدف این پژوهش را روشن می‌سازد و نه تحلیل درونی متون تصحیح شده.

در پایان نتیجه‌ای که از این پژوهش مد نظر خواهد بود «تشریح عینی» و ارائه سنجشی نظام مند (توصیفی عینی) برای شناخت راوی (مصحح) است و نه روایت. در این مقاله تعداد پژوهی نیز در دستور کار قرار گرفته.

۱. برای آگاهی از فهرست آثار قلمی مجتبی مینوی بنگرید به فهرستی که شادروان ایرج افشار به دست داده: (بخارا ۱۳۹۰: ۴۶). اگرچه دارای کاستی‌ها و نارسایی‌هایی در بخش تصحیحات است که در این مقاله به آنها اشاره رفته است.



۲. بحث و تحلیل : تعداد پژوهی

۲.۱ نگاه معطوف به تصحیحات

به نظر میرسد نخستین کتابی که مجتبی مینوی دست بر تصحیح آن گشاده نامه تنسر به گشاسب (۱۳۱۰) و آخرین تصحیحات وی کتاب های: «اخلاق ناصری»، «دیوان ناصر خسرو» و نیز «داستان سیاوش» باشند که همگی پس از مرگش انتشار یافته اند. و چون پس از نخستین تصحیح به نوروزنامه (۱۳۱۲)، منظومه ویس و رامین (۱۳۱۴) و نیز مصنفات افضل الدین کاشانی (۱۳۳۰) پرداخته و باید دانست که تمامی این آثار از نوع تصحیح انتقادی نیستند و چندان با موازین علمی تصحیح نیز همراه نیستند، بنا بر این میتوان در نظر گرفت تصحیح کتاب در ابتدای امر برای مجتبی مینوی چندان رویکردی جدی و تخصصی تلقی نمیشده است یا لاقبل با تکنیک های نوین تصحیح همراه نبوده است.

فهرست تصحیحات مجتبی مینوی به تنظیم سالشماری به شرح ذیل است:

۱. نامه تنسر. ۱۳۱۰

۲. نوروز نامه ۱۳۱۲

۳. ویس و رامین ۱۳۱۴

۴. مصنفات افضل الدین کاشانی ۱۳۳۰

۵. عیون الحکمه ۱۳۳۲

۶. تحریمه القلم ۱۳۳۵

۷. السعاده والاسعاد ۱۳۳۶

۸. کلیله و دمنه ۱۳۴۳

۹. سیرت جلال الدین مینکیرنی ۱۳۴۴

۱۰. تنکسوق نامه یا «طب اهل خطا» ۱۳۵۰

۱۱. احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی به ضمیمه منتخب نورالعلوم ۱۳۵۱

۱۲. البلغه ۱۳۵۱

۱۳. داستان رستم و سهراب از شاهنامه ۱۳۵۲

۱۴. اخلاق ناصری ۱۳۵۶

۱۵. دیوان ناصر خسرو ۱۳۵۷

۱۶. داستان سیاوش از شاهنامه ۱۳۶۳

فهرستی که در این پژوهش سامان داده شده بی گمان با باقی فهرست هایی که از تالیفات و تصحیحاتی مجتبی مینوی ارائه شده تفاوت ها و اختلافاتی دارد. یکی از نتایج فرعی این مقاله نشان خواهد داد که برخی از آثاری که در عموم فهرست های منتشر شده (که به نظر میرسد همگی از روی هم نگارش یافته و احتمالاً منشا همگی آنها هم فهرست اصلی ای است که شادروان ایرج افشار به دست داده) در زمره ی تصحیحات مجتبی مینوی آورده اند، چندان با واقعیت تصحیح همخوانی





ندارد: یا فقط مقدمه به خط مینوی بوده، و یا اصولاً تصحیح در معنای متداول شماره‌دهی شده است. بنا بر این فهرستی که در این مقاله به دست داده شده، پس از بررسی تمام آثار مجتبی مینوی که عنوان تصحیح بر خود داشته‌اند و پس از سنجش محتوایی تمامی آنها فراهم آمده. در نتیجه برخی از کتبی که به اشتباه مجتبی مینوی را مصحح آن دانسته‌اند حذف شده است.<sup>۲</sup> در همین مقاله از برخی کتب فوق سخن خواهد رفت. باری، گستره موضوعی تصحیحات مینوی چنین است:

تاریخی: ۲ عنوان (سیرت جلال الدین - نامه تنسر)

ادبی: ۹ عنوان (دیوان ناصر خسرو - داستان رستم و سهراب - داستان سیاوش - احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی - کلیله و دمنه - تحریمه القلم - ویس و رامین - نوروز نامه - مصنفات افضل الدین کاشانی)

پزشکی: ۱ عنوان (تنکسوق نامه)

فرهنگ ترجمه: ۱ عنوان (البلغه)

حکمت - فلسفه: ۲ عنوان (عیون الحکمه - اخلاق ناصری)

اخلاق و سیاست: ۱ عنوان (السعاده و السعاده)

بنا بر این چنین مینماید که مجتبی مینوی در پیوند با تحصیلات و تخصص خود، بیش از هر زمینه‌ای کتب ادبی را برای تصحیح انتخاب نموده.

۳. نقد و بررسی: نگاه معطوف به مصحح

۳.۱ نامه تنسر به گشاسب (مینوی طهرانی، رضوانی: ۱۳۱۱)

تصحیحی است از رساله معروفی به زبان فارسی میانه و از ماخذ تاریخ طبرستان تألیف «ابن اسفندیار». در شناسنامه اثر مصححان مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی عنوان شده‌اند اما با بررسی بیشتر پیشگفتار اثر در میابیم که بخش بزرگ کار را مینوی بر عهده داشته و رضوانی در بازبینی نسخه نهایی نظریات و دیدگاه‌های خود را لحاظ نموده است. (همان: پیشگفتار) در این تصحیح با مقدمه‌ای مفصل رو به رو هستیم که مصحح در جریان آن پیشینه کار را به روشنی بررسی نموده است، به اشارات برخی نویسندگان قدیم و تواریخ اولیه به نامه تنسر به خوبی پرداخته است و کتابشناسی دقیقی نیز از خود اثر به دست داده است. به روش تصحیح این اثر هر چند از سوی مصحح اشاره نشده اما در بررسی این پژوهش شیوه تصحیح «التقاطی» ارزیابی میشود. تصحیح دارای نشانه‌گذاری است و شکل ظاهری اثر نیز آراسته است.

<sup>۲</sup> پیش از این کتاب «سیاستنامه‌ی خواجه نظام الملک» نیز عنوان تصحیح به دست مجتبی مینوی را بر خود دارد اما این تصحیح کاری است مشترک با «عبدالحجیم خلخالی» و چون میزان تصحیح و روش هریک از مصححین پیدا نیست، از بررسی آن خود داری شد. همچنین دو کتاب: «رساله در امر مالیات» و «الابنه فی حقایق الادویه» نیز به همین دلایل در دست بررسی قرار نگرفتند. کتاب «وقف نامه رشیدی» نیز اگر چه نام مجتبی مینوی را به عنوان مصحح بر خود دارد اما پیدا است که کار را ایرج افشار به پیش برده است.



در بخشی از مقدمه، مصحح ضمن اشاره به کتاب «زبده التواریخ» کاشانی، اشاره کرده که این اثر: «نفیس ترین کتاب تاریخ عمومی است که به زبان فارسی تالیف شده» (همان). چنین داوری ای در باب کتاب «زبده التواریخ» جای تردید اساسی دارد.

#### ۳.۴ نوروزنامه (عمر خیام: ۱۳۱۲)

در انتشار این کتاب چنان که در مقدمه آمده از نسخه «منحصر به فرد» استفاده شده. فرهنگ لغات و اصطلاحات را مصحح به کتاب افزوده که به خوانش بهتر متن کمک کرده است. در مقدمه به نسیب پژوهشی اثر، از موضوع کتاب به اختصار سخن رفته، اما تعلیقات و حواشی را ناشر به انتهای کتاب افزوده است. انتشار کتاب به روش «فاکسیمیل» است. این تصحیح با تکنیک های نوین تصحیح همراه نیست و روشن است که ذکر روش تصحیح برای آن بی مورد است.

#### ۳.۵ ویس و رامین (گرگانی: ۱۳۱۴)

کتاب دارای تعلیقات و مقدمه نیست و نشانه گذاری هم ندارد. مصحح در باب روش تصحیح چیزی نگفته اما با بررسی متن در میابیم که به روش «انتقادی» نیست. تصحیح این اثر را میتوان «قیاسی» ارزیابی کرد. به شرح حال مولف و پیشینه تصحیح اثر هم اشاره نشده. محمد روشن و جواد محبوب نقد و ایراداتی بر این تصحیح گرفته اند. (نک: کتاب ماه ادبیات و فلسفه ۱۳۷۷: ۳۳)

#### ۳.۶ مصنفات افضل الدین کاشانی (کاشانی: ۱۳۳۱)

تصحیح اثر با همراهی یحیی مهدوی انجام گرفته است اما از نقش هر یک از مصححان سخنی گفته نشده. دارای فهرست تفصیلی کارآمدی از آیات و روایات و اشعار است. مصححان قصد تکمیل کار را در جلد سوم را داشته اند اما پیدا است که به هر دلیل توفیق نیافته اند. بررسی متن نشان می دهد که روش تصحیح اثر به شیوه «اجتهادی» انجام شده است. شرح حال مولف در مقدمه نیامده و در صفحات دیگر نیز اشاره ای نرفته است.

#### ۳.۷ عیون الحکمه (ابن سینا: ۱۳۳۳)

این اثر به صورت فاکسیمیل منتشر شده. مصحح خود اشاره دارد اثر را چنانکه باید و شایسته است تصحیح نموده (پیشین: ۴). چاپ کتاب به شیوه افست بوده و با همکاری دکتر یحیی مهدوی پایان یافته است. تنها نسخه ای که برای این تصحیح مقابله شده نسخه «استانبول» است که با نسخه در دسترس مصححان یعنی «نسخه دانشگاه تهران» مقابله شده. مصحح اشاره دارد که دو نسخه دیگر از این کتاب موجود بوده و البته توسط او دیده نشده اند. این خود یک تصحیح را از اعتبار می اندازد. متن تماما به عربی افست شده و از ترجمه خبری نیست. پس تعلیقاتی هم ندارد. مقدمه بسیار کوتاه است و برای شناخت کتاب و نویسنده سودمند نیست.



### ۳.۸ تحریمه القلم (سنایی: ۱۳۳۵)

نسخه عکسی آن توسط مصحح منتشر شده و چنانکه در مقدمه اثر اشاره شده تصحیح از روی سه نسخه ی موجود و در دسترس مصحح انجام گرفته. تصحیح به روش «انتقادی» و دارای تعلیقات است. همچنین اثر دارای مقدمه به قلم مصحح است که در آن از پیشینه کار سخنی نرفته و توضیحاتی موجز و ناکافی در باب نویسنده اثر در آن آمده است.

### ۳.۹ السعاده و الاسعاد (عامری: ۱۳۳۶)

بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که شیوه تصحیح اثر «التقاطی» است هر چند مصحح در مقدمه هیچ اشاره ای به روش تصحیح خویش نکرده. مقدمه بسیار خلاصه است و دارای آگاهی های روشنگر موافق با موازین تصحیح نیست. متن دچار نارسایی و بعضا ناخوانا است و پیدا است دقت لازم نیز در تصحیح اثر صورت نگرفته زیرا دارای اغلاط متعدد است. تعلیقات بر تصحیح نوشته نشده اما جالب است که دارای فهرست اعلام است.

### ۳.۱۰ کلیله و دمنه (منشی: ۱۳۳۶)

نمونه ای برجسته در تصحیحات مجتبی مینوی ارزیابی می شود. شیوه تصحیح «انتقادی» است. واژگان دشوار معنا شده اند و شکل ظاهری اثر از پیراستگی برخوردار است. در مقدمه فهرست نسخی که مبنای کار مصحح بوده آورده شده است که منطبق با موازین تصحیح علمی است. اثر دارای فهرست اعلام و تعلیقات نیست و نوشتن تعلیقات بر چنین کتابی از ارزش تصحیح اثر کاسته.

### ۳.۱۱ سیرت جلال الدین منکبرنی (نسوی: ۱۳۸۴)

مینوی در تصحیح این اثر معروف از نسخه منحصر به فرد عباس اقبال آشتیانی بهره برده. شرح مصحح از کوشش هایش در جهت تهیه نسخ این اثر، نشان از جدیت و زحمات فراوان در تکمیل کار دارد. کتاب مقدمه ی مفصلی دارد که در آن از ویژگی های مختلف کتاب و اهمیت آن سخن رفته. روش تصحیح «انتقادی» است و هماهنگی تمام با موازین این روش تصحیح دارد. متن دارای تعلیقاتی مفصل و عالمانه است تا موجب شود این اثر را بهترین تصحیح مجتبی مینوی در نظر بگیریم زیرا تمامی شروط یک تصحیح ممتاز را دارا است. شرح احوال مولف نیز در مقدمه و به قلم مصحح آمده است.

### ۳.۱۲ تنکسوق نامه یا طب اهل خطا (قوام کرمانی: ۱۳۵۰)

تنها به چاپ عکسی اکتفا شده و نمیتوان عنوان تصحیح بر آن گذارد. اما در فهرس موجود همواره در زمره تصحیحات مجتبی مینوی آورده میشود. مصحح از تنها نسخه منحصر به فرد کتاب بهره برده و تصحیح بدون هیچ تعلیقات یا شرحی، تنها دیباچه ای کوتاه دارد در معرفی اجمالی مباحث کتاب.

### ۳.۱۳ احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی به ضمیمه منتخب نورالعلوم (مینوی: ۱۳۵۹)



مصحح متون تاریخی مختلفی را در شرح حال ابوالحسن خرقانی گردآوری و تصحیح نموده است. مینوی در این اثر از شیوه تصحیح خود سخنی نگفته و دانستن شیوه عمل او از بررسی محتوای اثر نیز دشوار است. چنین به نظر میرسد که روش تصحیح «اجتهادی» است. کتاب تعلیقات مناسبی دارد که از چیرگی مصحح بر ادب فارسی حکایت می کند و نیز دیباچه کوتاهی دارد که در آن از پیشینه کار سخنی نرفته. اما روش تصحیح اجتهادی در جایی که نیازی به در پیش گرفتن آن نبوده است از ارزش تصحیح کاسته.

۳.۱۴ البلغه (نیشابوری: ۱۳۵۱)

اثر به تصحیح «مجتبی مینوی» و «فیروز حریرچی» است. در مقدمه، مصحح از حریرچی گله دارد که در تصحیح متن کمک و همراهی لازم را ننموده. (همان: ۸). مینوی در ادامه از روش تصحیح خویش در مقدمه اثر به اجمال سخن گفته و از دشواری های کار ابراز ناخشنودی کرده اما هیچ روش متدیک خاصی را برای تصحیح خویش ذکر نکرده است (پیشین: ۱۵). میتوان روش تصحیح این اثر را «تمثیلی» در نظر گرفت. این نوع تصحیح نیز به طور معمول از ارزش کار کاسته است.

۳.۱۵ داستان رستم و سهراب از شاهنامه (فردوسی: ۱۳۵۲)

از معروف ترین تصحیحات مینوی است و این بخشی از کوششهای او در جهت شناخت و معرفی شاهنامه بوده است. (ن ک: مینوی و شاهنامه: ۱۳۵۶). اثر دارای تعلیقات قوی و مفصل است. در مقدمه به کوتاهی از فردوسی و شاهنامه سخن گفته شده و از نکات برجسته این تصحیح، پژوهش مصحح درباره تمام داستان های مشابه رستم و سهراب است که در افسانه های سایر اقوام موجود است. مینوی در این تصحیح از نسخی که مقابله نموده و چاپهای متعدد شاهنامه مطالبی آورده اما به شیوه تصحیح خود اشاره ندارد. با اینحال این تصحیح در زمره تصحیحات انتقادی دسته بندی میشود. مهدی دشتی نقدی سودمند بر این تصحیح نگاشته است. (ن ک: دشتی: ۱۳۸۲)

۳.۱۶ اخلاق ناصری (نصیرالدین طوسی: ۱۳۵۶)

ارزش اصلی این تصحیح به مقدمه سودمندی است که بر آن نگارش یافته است و در آن روش کار و شیوه مقابله متن و... توضیح داده شده و در ادامه مصحح تمام نسخی که در تصحیح متن مقابله شده اند معرفی کرده است. شرح کاملی از زندگی «خواجه نصرالدین طوسی» در مقدمه آورده شده و مشخصا مینوی از شیوه تصحیح «قیاسی» برای تصحیح اثر بهره برده که معمولاً وقتی با «تک نسخه» از یک اثر رو به رو هستیم به کار گرفته میشود و در اینجا روش تصحیح «انتقادی» مناسب تر مینمورد. از نقاط قوت این تصحیح وجود فهرست اشعار و آیات و احادیث و نیز فرهنگ اصطلاحات و نامها است. اما نکته مهم آن است که مقدمه ارزشمند این اثر به قلم علیرضا حیدری است و نه مجتبی مینوی. هرچند در بسیاری فاعراس به این نکته مهم و بدیهی توجه نشده است و مقدمه را به عنوان اثری پژوهشی از مجتبی مینوی معرفی میکنند.





۳.۱۷ دیوان ناصر خسرو (ناصر خسرو قبادیانی: ۱۳۵۷)

تصحیح مشترکی است با مهدی محقق. تفصیل نسخه بدلها در انتهای کتاب آمده است. از شیوه کار اندکی در دیباچه ی کوتاه کتاب سخن رفته که نشان میدهد به روش انتقادی تصحیح شده. کتاب دارای تعلیقات نیست و شکل ظاهری و جلد مرتبی نیز ندارد و شرح حال مولف و پیشینه کار نیز در مقدمه مصحح نیامده.

۳.۱۸ داستان سیاوش از شاهنامه (فردوسی: ۱۳۶۳)

از دیگر تصحیحات مشهور مجتبی مینوی به شیوه «انتقادی». مقدمه مفصل اثر از مهدی قریب است که کار تصحیح را با مینوی به طور مشترک به پیش برده اند. در این مقدمه در باره ی علم نسخه شناسی و استنساخ و ... نکاتی سودمند آمده. قریب در مقدمه ، این اثر را آخرین تصحیح مجتبی مینوی می داند و نمونه اعلا ی شیوه علمی \_ انتقادی در تصحیح آثار . میتوان این دیدگاه را پذیرفت و این تصحیح را از برجسته ترین آثار مجتبی مینوی به شمار آورد. تفصیل نسخ بدل در این اثر آورده شده و دارای لغتنامه ای جامع است . تعلیقات به جا استفاده شده و شکل ظاهری اثر منقح منتشر شده. باید گفت با توجه به زمانه ای که این اثر تصحیح شده است کاری ارجمند صورت پذیرفته است.

#### ۴. جدول تحلیل ساختاری تصحیحات

| نام کتاب                  | روش تصحیح         | دیباچه | فهرست مطالب | فهرست اعلام | تعلیقات | شرح حال مولف | نشان گذاری | چاپ آراسته |
|---------------------------|-------------------|--------|-------------|-------------|---------|--------------|------------|------------|
| نامه تنسر                 | انتقادی - التقاطی | √      | --          | √           | √       | √            | √          | √          |
| نوروز نامه                | فاکسیمیله         | √      | --          | √           | --      | --           | √          | --         |
| ویس و رامین               | قیاسی             | --     | √           | √           | --      | --           | --         | √          |
| مصنعات افضل المدين كاشانی | اجتهادی           | √      | √           | √           | √       | --           | √          | √          |
| عيون الحكمة               | فاکسیمیله         | √      | --          | --          | --      | --           | --         | --         |
| تحریمه القلم              | چاپ عکسی          | √      | --          | --          | √       | --           | √          | √          |
| السعادة والاسعاد          | التقاطی           | √      | √           | √           | --      | √            | --         | --         |
| کلیله و دمنه              | انتقادی           | √      | √           | --          | --      | --           | √          | --         |
| سیرت جلال المدين منکبرنی  | انتقادی           | √      | √           | √           | √       | √            | √          | √          |



|    |    |     |    |    |    |   |          |                                    |
|----|----|-----|----|----|----|---|----------|------------------------------------|
| -- | -- | --  | -- | -- | -- | √ | فکسیمیله | تنکسوق نامه                        |
| √  | √  | --  | √  | -- | √  | √ | اجتهادی  | ۱ حوال و ا قول شیخ ابوالحسن خرقانی |
| √  | √  | --  | √  | √  | -- | √ | تمثیلی   | البلغه                             |
| √  | √  | √   | √  | -- | √  | √ | انتقادی  | داستان ر ستم و سهراب               |
| -- | √  | √   | √  | -- | √  | √ | قیاسی    | اخلاق ناصری                        |
| -- | √  | --  | -- | √  | √  | √ | انتقادی  | دیوان ناصر خسرو                    |
| √  |    | √-- | √  | √  | √  | √ | انتقادی  | داستان سیاوش از شاهنامه            |

#### ۴.۱ تحلیل جدول ساختاری

در شانزده مورد از تصحیحات بررسی شده ، داده ها این نتایج را در اختیار ما قرار می دهند:

روش تصحیح : تنها پنج تصحیح به روش انتقادی انجام گرفته. در هریک از روش های قیاسی ، التقاطی و اجتهادی دو عنوان تصحیح و چهار تصحیح نیز (اگر در چارچوب تصحیح قرار بگیرند که البته چنین نیست) به روش چاپ عکسی و فاکسیمیله است. یک عنوان تصحیح نیز با روش تمثیلی انجام شده که عموماً در نزد اهل تصحیح جدی گرفته نمیشود.

دیباچه: پانزده تصحیح دارای دیباچه اند. در این میان سه مقدمه بسیار مختصر و نارسا است<sup>۳</sup>.

فهرست مطالب: ده تصحیح دارای فهرست مطالب هستند.

فهرست اعلام: تنها نه تصحیح فهرست اعلام دارند.

تعلیقات: نگاشتن «تعلیقات» بر تصحیح برای روشن ساختن مشکلات یک متن و گره گشایی و پوشیدگی های یک تصحیح ، کاربردی مهم دارد و تصحیح ممتاز به تعلیقات عالمانه آن شناخته می شود. در بین تصحیحات شادروان مینوی از بین شانزده اثر ، تنها نه (۹) مورد دارای تعلیقات هستند و البته باید افزود تعلیقات نویسی های مینوی از چیرگی او بر مباحث حکایت دارند.

شرح حال مولف: از اصول خدشه ناپذیر تصحیح یک متن نگارش مدخلی روشنگر در جهت احوال و روزگار مولف یا کاتب است. این مهم تنها در پنج تصحیح مجتبی مینوی به چشم میخورد که آن هم در دو مورد ضعیف و مختصر و نارسا است.

<sup>۳</sup> به بخش "نقد و بررسی" در همین مقاله بنگرید.



نشانه گذاری: اگر چهار مورد از تصحیحات را که به روش فاکسیمیله است مجزا کنیم، دوازده تصحیح باقی مانده همگی درای نشانه گذاری مناسب توسط مصحح هستند.

چاپ آراسته: نظر به ویژگی های ظاهری چاپ و رعایت آراستگی در انتشار کتاب، ده عنوان از تصحیحات را میتوان بهره مند از چاپ آراسته دانست. ویژگی هایی چون طرح جلد مرتبط و فونت مناسب عنوان و شیرازه و شالوده کتاب و جلد و... در نتایج این بررسی دخیل بوده اند.

۵. دیدگاه مینوی درباره ی تصحیح:

آنچه پیدا است مینوی به دنبال موازین علمی در تصحیح، نقد تصحیح سنتی و دوری از تصحیحات تمثیلی بوده<sup>۴</sup>. او مینویسد: «برخی معاصرین عقیده دارند هر تغییر و تبدیل و [...] که در شعر قدما شده است چون نتیجه ی اعمال ذوق یا اعمال قضاوت یک نفر ایرانی بوده است محترم است و باید پذیرفت»<sup>۵</sup>

همچنین در مقاله ای با انتقاد از پیروان تصحیح ذوقی اشاره دارد که: «حتی امروزه هم آنان که از شیوه و روش صحیح تحقیق و تتبع و قواعد تصحیح متون قدیم اطلاع ندارند به همین روش تصحیح ذوقی معتقدند و آن را توصیه میکنند...» (مینوی، ۱۳۸۰: ۸۹)

و این جمله ی معروف او که به روشنی بیانگر دیدگاهش به تصحیح است: «بنده غلطی را که یقین داشته باشم گفته و نوشته مولف است به صحیحی که به هفتاد و یک دلیل مرجح بر قول مولف باشد ترجیح میدهم.» (مینوی، ۱۳۵۱: ۵۱) از منظری دیگر اما در پیوند با آنچه گفته شده، مینوی در چند جا هر چند گذرا عنوان نموده که بهترین تصحیح، آن است که از کهن ترین نسخه بهره برد. او در نقدی بر دیوان حافظ مینویسد: «در تصحیح متن غزل های حافظ کاری با چاپ های مختلف نباید داشت و فقط به غزل هایی که در اقدم نسخ آمده باید پرداخت» (مینوی، ۱۳۴۶: ۱۷) او همچنین از مصححانی که تنها به «تصحیح مکانیکی» متن می پردازند انتقاد نموده است. (همان، ۸۲)

۶. نتیجه گیری:

نتیجه گیری این مقاله در دل خود مقاله است و داده های کمی ای که پیش چشم خواننده گسترده شده. پس توضیحاتی افزون بر آن از تاثیر متفاوت پیام این پژوهش بر هر خواننده خواهد کاست. این نخستین مقاله ای است که تمرکز خود را بر تجزیه و تحلیل تصحیحات مینوی قرار داده و هر چند نمیتوان ادعا کرد تمامی جنبه های نقد رعایت شده اما اگر بنا بر اظهار نظری کوتاه و به سهم نویسنده ی این مقاله باشد، باید گفت جدول ساختاری ما نشان می دهد از مینوی در جایگاه مصحح انتظاری بیشتر می رفته تا موازین تصحیح انتقادی را رعایت کند. مجتبی مینوی در جایی اشاره کرده که در حدود شش سال اقامت در ترکیه: «ده - دوازده هزار جلد از کتاب های خطی موجود در کتابخانه های ترکیه را بررسی کرده ام...» (کتاب امروز، ۱۳۵۲: ۲۰)

<sup>۴</sup> برای نمونه عباس زریاب خویی در مورد شیوه تصحیح مینوی چنین نوشته: «در تصحیح پیرو مکتب علمی - انتقادی اروپایی بود و عقیده اش این بود که متن از هر جهت به متن خود مولف نزدیک تر باشد» (زریاب خویی، ۱۳۵۶: ۴۶)

<sup>۵</sup> آیا اشاره او به ملک الشعرا ی بهار بوده؟



اگر چه شاید در بیان مقصود غلو باشد و مجال بررسی دوازده هزار اثر خطی برای عمر سودمند آدمی دست نخواهد داد، اما این اظهار نظر او را هنگامی که در کنار باقی دیدگاه ها و رویکرد مثبت اهل فرهنگ به مینوی در نظر بگیریم، میتوان نماینده ی روح ستیهندگی و اخلاق علمی و جدیت در پژوهش از سوی او در نظر گرفت. مجتبی مینوی مصححی «نسخه محور» بوده و در تصحیحات چنانکه خودش در جایی گفته علامه قزوینی و روش او را در نظر داشته است (همان: ۲۲). اما از آنجا که برای تصحیحی مطلوب از یک اثر، مصحح میتواند خط سیرهای فرعی متفاوتی را در چارچوب علمی و انتقادی تصحیح در نظر بگیرد، پابندی بی چون و چرای مینوی به باورهای خود در باب تصحیح شاید موجب برخی از نارساییها نیز در انتشار متون و روش تصحیح آنها شده باشد. از سویی با وجود تاکید چند باره مینوی بر تصحیح انتقادی از متون، که بالاتر اشاراتی بر آن رفت، با رجوع به متن مقاله حاضر میتوان دریافت بیش از نیمی از تصحیحات او با موازینی که بر آنها باور داشته همراه نیست.

در نقد و نظری اینگونه، باید زمانه و تاریخ زندگی مصحح را نیز در نظر بگیریم. مینوی در روزگاری دست به انتشار کتب و تصحیح آنها می زد که هنوز تکنیک های جدیدی که به تازگی در میان اهل علم در ایران رواج یافته فراگیر نبود. روزگاری که مصححان با روش هایی چون مقابله نسخ و ذکر نسخه بدل ها و ... پا در میدان تصحیح گذارده بودند اما به نسبت تکنیک های تصحیح متون امروزی، بی تردید کاستی هایی داشتند.

تصحیح متن نیز اگر چه در سنت ایرانی و نیز اسلامی دارای پیشینه بوده (ن ک: مجرد: ۱۳۹۶) اما بی گمان در دوره ای که امثال مجتبی مینوی به این امر دست میازیدند تحت تاثیر تحولات معرفتی جدید در اروپا بوده است. بنا بر این سنت تصحیح متون امثال مینوی را باید در این مدار به بررسی نشست و اینگونه تصحیحات را از مصححان و تصحیحات سنتی جدا کرد و البته با اغماض بیشتری بر کوشش های علمی آنان با توجه به تاریخ و زمانه شان نگرست.

در پایان نگارنده با وجود احترام به دانشوری مجتبی مینوی و میراث او، نمی تواند این پرسش را مقابل این ادعا طرح نماید که آیا به راستی او یکی از « پنج ستاره ی برجسته تصحیح متون در ایران یکصد سال اخیر<sup>۶</sup> » بوده است؟

<sup>۶</sup> مجتبی مجرد در کتاب خود مینوی را در کنار قزوینی، بهمنیار، بهار و همایی یکی از « پنج ستاره ی...» خوانده. (ن ک: پیشین: ۲۳۶)





## کتابنامه

- ابن سینا (۱۳۳۳)، عیون الحکمه، تصحیح مجتبی مینوی و یحیی مهدوی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی (۱۳۵۹) (اقوال اهل تصوف درباره ی او) به ضمیمه منتخب نورالعلوم، به اهتمام و تصحیح مجتبی مینوی، تهران کتابخانه طهوری.
- بخارا (۱۳۹۰) یاد مجتبی مینوی. سال چهاردهم. شماره ۸۰
- دشتی؛ مهدی (۱۳۸۲) بازخوانی یک تصحیح، مجله علمی و پژوهشی شناخت، شماره ۳۷.
- زریاب خویی؛ عباس (۱۳۵۶) پانزده گفتار درباره مجتبی مینوی: به کوشش ایرج افشار، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- سنایی؛ مجدودبن آدم (۱۳۳۵) منظومه تحریمه القلم، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، فرهنگ ایران زمین.
- طوسی؛ خواجه نصیر الدین (۱۳۵۶) اخلاق ناصری، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- عامری؛ ابوالحسن (۱۳۳۶) السعاده و الاسعاد فی سیره الانسانیه، به تصحیح و مباحثت مجتبی مینوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عمر خیام: (۱۳۱۲) نوروزنامه؛ رساله ای در منشا و تاریخ و ادب جشن نوروز، مقدمه و حواشی و فرهنگ به سعی و تصحیح مجتبی مینوی، تهران. کتابخانه کاوه.
- فردوسی؛ ابوالقاسم (۱۳۵۲) داستان رستم و سهراب از شاهنامه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات بنیاد شاهنامه فردوسی.
- فردوسی؛ حکیم ابوالقاسم (۱۳۶۳) داستان سیاوش از شاهنامه، به تصحیح مجتبی مینوی و مقدمه مهدی قریب، تهران موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قبادیانی؛ حکیم ناصر خسرو، (۱۳۵۷) دیوان ناصر خسرو، به اهتمام و تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل (شعبه تهران)
- قوام کرمانی؛ محمد بن احمد بن محمود (۱۳۵۰)، تنکسوق نامه یا طب اهل خطا، با مقدمه مجتبی مینوی، تهران: انتشارات دانشکده ادبیات.
- کاشانی؛ افضل الدین محمد مرقی (۱۳۳۱) مصنفات، تصحیح مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی.
- کتاب امروز (۱۳۵۲) پژوهشگر ستیهنده: گفتگوی ایرج افشار، شفیع کدکنی و نجف دریابندی با مجتبی مینوی کتاب امروز: صص ۹-۱۲
- کتاب ماه ادبیات و فلسفه (۱۳۷۷) گفتگو با دکتر محمد روشن درباره تصحیح جدید ویس و رامین، شماره ۳۳
- گرگانی؛ فخرالدین اسعد (۱۳۱۴)، ویس و رامین، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: کتابفروشی فخر رازی



- مجرد؛ مجتبی (۱۳۹۶) سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام، تهران، انتشارات هرمس.
- منشی؛ ابوالمعالی نصرالله (۱۳۳۶) کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران انتشارات ماهابه.
- مینوی طهرانی، مجتبی و محمد اسماعیل رضوانی (۱۳۱۱) نامه تنسر به گشنسب. تهران، خوارزمی
- مینوی و شاهنامه (۱۳۵۶) (مجموعه مقالات)، تهران. انتشارات بنیاد شاهنامه فردوسی.
- مینوی؛ مجتبی (۱۳۸۰) نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح متون ادبی شوند، آئینه میراث، سال چهارم. شماره ۳
- مینوی؛ مجتبی (۱۳۴۶) خطابه ی مجتبی مینوی. یغما، سال بیستم شماره ۱۲.
- نامه مینوی (۱۳۵۰) مجموعه سی و هشت گفتار در فرهنگ و ادب ایرانی، زیر نظر ایرج افشار و حبیب یغمایی، با همکاری محمد روشن. تهران
- نسوی؛ شهاب الدین محمد خرندزی زیدری، (۱۳۸۴) سیرت جلال الدین منکیرنی، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- نیشابوری؛ ادیب یعقوب کردی نیشابوری (۱۳۵۱) البلغه (فرهنگ عربی و فارسی)، به تصحیح مجتبی مینوی و فیروز حریرچی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.